

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## نیت

از جمله مقارنات نماز که به عنوان دومین مورد از مقارنات، به بحث آن وارد می‌شویم؛ نیت است.

نیت یعنی عزم شخص بر اجابت و امثال دعوت و فرمان حق، در انجام نمازی که خدای متعال مقرر کرده و به آن فرمان داده است؛ و عزم بر این که نفس خود را از آنچه سبب نقصان یا بطلان نماز می‌شود، نگه دارد. به این عزم بر انجام طاعت و مرتکب نشدن آنچه موجب نقص یا بطلان نماز است، اصطلاحاً نیت می‌گویند.

خلوص نیت، یعنی تلاش برای خالص کردن عزم خویش که انسان صرفاً برای رضایت الهی یا به امید عنایات الهی مصمم بر انجام نماز شود. مفصل وارد بحث نیت می‌شویم؛ ولی می‌خواهم ابتدا یک بیان اجمالی از موضوع را در اختیار قرار دهم؛ بعد تدریجاً ابعادش را بیشتر باز و تشریح می‌کنم.

## تفاوت نیت اشخاص در عبادات

نیت افراد در عبادات با هم متفاوت است. اجمالاً باید بدانیم اهل یقین و کسانی که از گم‌لین هستند که خدا را صرفاً برای این که سزاوار عبادت شدن است و بس، عبادت می‌کنند. همان

تعبیری که منسوب به امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که فرمودند: «ما عَبْدُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا

طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ»<sup>۱</sup> خدایا من تو را نه از خوف آتش دوزخت عبادت کردم؛ ( این به آن معنا

نیست که علی علیه‌السلام آتش دوزخ را چیز کوچکی می‌شمارند؛ تعبیر امیرالمؤمنین علیه‌السلام را

راجع به آتش دوزخ، در دعای کمیل ببینید. چگونه از خوف عذاب الهی می‌گریند و بر خود

می‌پیچند! «وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَ يَدُومُ مَقَامُهُ وَ لَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ

غَضَبِكَ وَ انْتِقَامِكَ وَ سَخَطِكَ وَ هَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ»<sup>۲</sup> و آن بلایی است که

زمانش به درازا می‌کشد و توقف در آن دائمی است و بر اهل دوزخ کاهش نمی‌یابد؛ زیرا جز

ناشی از غضب و انتقام و خشم تو نیست و این چیزی است که آسمان‌ها و زمین نیز تاب تحمل

آن را ندارند. این تعبیری است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مورد عذاب دوزخ دارند. ممکن

است کسی تصویری از آتش دوزخ نداشته باشد و بگوید من از آتش دوزخ نمی‌ترسم؛ آن به

خاطر جهلش است. اما امیرالمؤمنین علیه‌السلام آتش دوزخ را می‌بینند. فرمودند: «لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ

مَا ازْدَدْتُ يَقِينًا»<sup>۳</sup> اگر پرده‌ها فرو افتند، ذره‌یی به یقین من علی افزوده نمی‌شود. چون برای

علی علیه‌السلام پرده‌یی وجود ندارد. در برابر دیدگان دیگران پرده است که قیامت را نمی‌بینند؛

آتش دوزخ را نمی‌بینند. ولی علی علیه‌السلام قیامت را می‌بینند و آتش دوزخ را حس می‌کنند؛

اما علی‌رغم آن، می‌گویند خدایا من «خَوْفًا مِنْ نَارِكَ» از ترس آتش دوزخت تو را عبادت

۱. مجلسی، بحار، ج ۶۷، ص ۱۸۶ و ۲۳۴ و ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج ۲، ص ۱۱.

۲. محدث قمی، مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

۳. مجلسی، بحار، ج ۶۷، ص ۱۴۰.

نکردم؛ «وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ» و به طمع بهشتت هم تو را عبادت نکردم. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌دانند بهشت چیست؛ می‌بینند بهشت چیست. امثال بنده‌ی جاهل، چون هیچ تصویری از بهشت و جذآبیت‌های آن نداریم، ممکن است بگوییم برای بهشت عبادت نمی‌کنیم؛ نمی‌دانیم بهشت چیست. اگر سر سوزنی از آن به ما نشان داده شود، خدا می‌داند چگونه به دنبالش می‌دویم؟ امّا امیرالمؤمنین علیه‌السلام بهشت را می‌بینند و می‌گویند خدایا من به طمع بهشت تو، تو را عبادت نکردم. «بَلْ (وَ لَكِنْ) وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ»<sup>۴</sup> بلکه صرفاً چون تو را سزاوار عبادت شدن یافتیم؛ تو را عبادت می‌کنم. این مقام بسیار بالایی است که به تعبیری، از مقام عبادت أحرار و شاکرین هم بالاتر است؛ از مقام عبادت مُحَبِّين هم بالاتر است. وقتی به سراغ تفصیل بحث‌ها رفتیم، خواهید دید این مقام، فوق مقام عبادت مُحَبِّين و أحرار است. چون راجع به عبادت أحرار، در نهج البلاغه است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: مردم سه دسته‌اند؛ یک دسته خدا را از خوف عذاب الهی عبادت می‌کنند؛ این عبادت عَبِيد است؛ عبادت بردگان است که از ترس تازیانه‌ی مولا و ارباب فرمان می‌برد و اطاعت می‌کند. عده‌ی هم خدا را به طلب ثواب و پاداش الهی اطاعت و عبادت می‌کنند. این هم عبادت تاجران و بازرگانان است؛ عبادت آجیران و مُزد بگیران است. امّا فرمودند دسته‌ی سومی هم وجود دارد که خدا را «شُكْرًا لَهُ» فقط در مقام تشکر از خدا، عبادت می‌کنند؛ «فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ» که آن عبادت احرار است.<sup>۵</sup> یا از امام صادق علیه‌السلام روایات است که فرمودند: «إِنَّ الْعِبَادَةَ ثَلَاثَةٌ» عبادت سه گونه است؛ عده‌ی از مردم، خدا را از ترس عذاب عبادت می‌کنند؛ آن عبادت عَبِيد و بردگان است. دسته-

<sup>۴</sup>. مجلسی، بحار، ج ۶۷، ص ۱۸۶ و ۲۳۴ و ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج ۲، ص ۱۱.

<sup>۵</sup>. سیّد رضی، نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷.

یی خدای عزوجل را به طمع پاداش و ثواب عبادت می‌کنند؛ آن عبادت اُجْرَاء و مُزْدوران و مُزْدبگیران است. بعد فرمودند: «قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ» یک دسته‌اند که خدا را از سر عشق و محبتی که به او دارند عبادت می‌کنند؛ «فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ» که آن عبادت اَحْرار است.<sup>۶</sup> پس عبادت شاکران و عبادت مُحَبِّان، عبادت اَحْرار است. اما مقام اهل بیت علیهم‌السلام از آن هم بالاتر است. یعنی از این که عبادتشان فقط از سر شکر، یا فقط از سر محبت باشد، بالاتر است. آنها به جای بالاتری راه پیدا کردند که إن شاء الله وقتی بحث را باز کردیم، خواهیم دید.

اهل کسب و تجارت عبادتشان برای رسیدن به برکات و ثمرات مثبت عبادت است؛ یا در بهشت، یا با همت پایین‌تری، برکات دنیوی طاعت و عبادت. در برابر، بردگان و بندگان به خاطر خوف از پیامدهای تلخ تمرّد از طاعت از خدا و ترک عبادت خدا است؛ چه پیامد تلخ اُخروی آن در قالب عذاب‌های اُخروی و جهنّم سوزان الهی، چه پیامدهای نکبت‌بار ترک طاعت و عبادت در همین زندگی دنیوی. به تناسب سطح معرفت و فهم افراد متفاوت است. اما اگر هیچ یک از آنها نباشد؛ یعنی نه عبادتی باشد که چون فقط خدا را سزاوار عبادت یافته است، خدا را عبادت می‌کند؛ نه عبادت مُحَبِّان، نه عبادت شاکران، نه عبادت اَجیران و تاجران، نه عبادت بردگان و بندگان؛ هیچ یک از آنها نباشد، عمل چنین شخصی عبادت نیست؛ فی الواقع عادت است که فرد دارد. چون نیت که همان انگیزاننده‌ی انسان است؛ صاعِقِ انسان به سمت عمل است؛ چیزی است که به خاطر آن عمل را انجام دهیم؛ چیزی است که مرا به انجام عمل وامی‌دارد؛

---

<sup>۶</sup> کلینی، کافی، ج ۲، ص ۸۶.

نیت شخص اگر هیچ یک از آنها نباشد، آن عمل، عبادت نیست. در واقع کاری از سر عادت و فاقد ارزش و ثواب است.

### خالص ساختن نیت در عبادت

خالص بودن نیت مقام بسیار بلندی است و پیامدها و دستاوردهای بسیار عظیمی دارد. به تعبیری که از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «**أَلَا خِلَاصٌ يَجْمَعُ حَوَاصِلَ صَوَالِحِ الْأَعْمَالِ**»<sup>۷</sup> اخلاص، همه‌ی نتایج و مصلحت‌هایی که در هر عمل خیری است، یک‌جا برای انسان فراهم می‌کند. مرتبه‌ی اول اخلاصی که باید در نیت داشت، این است که عبد همه‌ی توانش را در مسیر طاعت و عبادت الهی به کار بندد و برای طاعت و عبادت خویش، ارزشی هم قائل نباشد؛ در پیشگاه خدا بهایی برای عبادت و طاعات خویش قائل نباشد. این در واقع نقطه‌ی آغاز اخلاص در نیت در عبادات است. روشن است که احدی قادر نیست آن‌گونه که حقّ خدای متعال است، خدا را عبادت کند. روایاتش را بعد اشاره می‌کنم. بنابراین حدّاقلّ اخلاص و پایین‌ترین مرتبه‌ی اخلاص این است که انسان برای عبادت خود شانی قائل نباشد؛ بها و ارزشی قائل نباشد؛ برای عبادت خود حسابی باز نکند؛ خود را دست خالی ببیند و عبادت خود را مایه‌ی شرمندگی خود در پیشگاه خدا ببیند؛ که نتوانسته است آن‌گونه که سزاوار پروردگار است، حقّ خدا را در مقام عبادت و بندگی به‌جا بیاورد. پایین‌ترین نتیجه‌ی اخلاص می‌تواند در همین عالم، در زندگی دنیوی، برای انسان داشته باشد، این است که انسان از همه‌ی گناهان به سلامت می‌ماند؛ و حدّاقلّ ثمره‌ی اخلاص در آخرت هم این است که انسان

<sup>۷</sup>. امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، باب فی الاخلاص.

مورد عذاب الهی قرار نمی‌گیرد و متنعم در بهشت پروردگار خواهد بود. این پایین‌ترین درجه از نتایج اخلاص در دنیا و آخرت است.

انسانی که صدق و اخلاص در نیت دارد؛ همان شخص دارای قلب سلیم است. از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمودند: «صاحبُ النِّيَّةِ الصَّادِقَةِ صاحبُ القَلْبِ السَّلِيمِ»<sup>۸</sup> صاحب نیت صادقانه، صاحب قلب سلیم است. نیت صادقانه یعنی ظاهر و باطن را یکی کردن. یعنی شما که ایستاده‌ی و داری عبادت می‌کنی؛ به‌راستی به این خاطر باشد که عبادت کنی. صدق داشته باشی. انگیزه‌ی جز آن چه داری انجام می‌دهی و ظاهر است، در عمل تو نباشد. نیت، نیت صدق باشد؛ یعنی فقط برای خدا، خدا را عبادت کنی. قلب صاحب نیت صادق، سالم است. قلب سالم یعنی قلبی که خواهش‌های شیطانی در آن نیست؛ وسوسه‌های شیطانی در آن کارگر نیست. هر کار را انجام می‌دهد، فقط برای خدا انجام می‌دهد. و باز به تعبیری که از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است؛ فرمودند: «القَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ»<sup>۹</sup> صاحب قلب سلیم کسی است که در حالی که غیر خدا، احدی در قلب او نیست؛ به ملاقات خدا می‌رود. جز خدا در خانه‌ی دل او نیست. در این حرم الهی جز خدا ساکن نیست. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «القَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ»<sup>۱۰</sup> دل حرم خدا است؛ پس غیر خدا را در حرم خدا سکونت نده.

<sup>۸</sup>. امام صادق علیه‌السلام، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، باب فی النیة.

<sup>۹</sup>. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶.

<sup>۱۰</sup>. مجلسی، بحار، ج ۶۷، ص ۲۵.

نیّت و انگیزه‌ی انسان تابع فهم و معرفت و درک و شعور او است. هر چه معرفت خالص‌تر و صافی‌تر از شوائب، نیّت هم خالص‌تر و پاک‌تر. یعنی خلوص نیّت، نتیجه‌ی صفای معرفت انسان است. هر چه معرفت زلال‌تر و ناب‌تر باشد، نیّت شخص خالص‌تر و بی‌شائبه‌تر خواهد بود. انسانی که به راستی به خلوص راه پیدا کند و نیّت خالص به معنای واقعی کلمه در او محقق شود، نفس و هوا و هوس، قدرت تسلّط بر او را ندارند؛ مَقهور او و تحت کنترل صد در صد اویند. چنین شخصی خود را در محضر سلطان هستی می‌بیند و نیروی حیای قوی‌بی در او پدید می‌آید که او را از آلودگی‌ها پاک نگه می‌دارد. بنابراین وقتی خلوص نیّت به حد اعلای خود برسد، میوه‌اش عصمت است. خلوص نیّت انسان را تا این جا می‌تواند پیش ببرد.

### عبادت بدون نیّت خالص، عبادت نیست

اصل در عبادت، خلوص نیّت است. عبادتِ بدون نیّت خالص، باطل است. خدای متعال فرمود: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»<sup>۱۱</sup> امر نشدند مگر به این که خدا را عبادت کنند در حالی که دینشان خالص باشد. دین به معنای عبادت، یا دین به معنای اعتقاد؛ خالصِ خالص، امر شده است که انسان این‌گونه عبادت کند؛ عبادت خالصانه انجام دهد. همچنین فرمود: «إِلَّا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»<sup>۱۲</sup> آنچه خدا می‌پذیرد، مال خداست و خدایی است؛ دین خالص است؛ دین نیالوده‌ی به شوائب است. در آیه‌ی آخر سوره‌ی کهف<sup>۱۳</sup>، «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا

<sup>۱۱</sup>. سوره‌ی بینه، آیه‌ی ۵.

<sup>۱۲</sup>. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۳.

<sup>۱۳</sup>. همان آیه‌ای که اگر کسی می‌خواهد هر ساعت بیدار شود، آن آیه را قبل از خوابیدن، تلاوت کند؛ او را مثل یک ساعت شَمّاتِه‌دار سَرِ آن ساعت بیدار می‌کند.

صَالِحاً وَ لَا يُشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»<sup>۱۴</sup> هر کس آرزومند دیدار پروردگارش است، باید عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش احدی را شریک نسازد. یعنی کسی که طالب دیدار پروردگار است؛ عبادتش را خالص، فقط برای خدا انجام دهد.

ارزش عبادت و اعمال عبادی، به نیت خالص است. از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است؛ فرمودند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»<sup>۱۵</sup> هویت عمل و ارزش عمل، به نیت بستگی دارد. عیار و ارزش عمل را نیت مشخص می کند. هر چه نیت خالص تر، عمل ارزشمندتر و پربهاتر و سازنده تر و مؤثرتر است. و باز حضرت فرمودند: «وَلِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى»<sup>۱۶</sup> هر کس آن چه را نیت کرده است، به آن خواهد رسید. هر کس پاداش نیت خویش را دریافت می کند. طبیعتاً هر چه نیت پاک تر، بلندتر و خالص تر باشد، پاداش و ثمره ی عمل بیش تر و بزرگ تر است. باز منسوب به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، که در یکی از جنگ ها، یکی از رزمندگان سپاه اسلام کشته شد؛ اصحاب خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردند فلانی به شهادت رسید. حضرت فرمودند: نه؛ او شهید نشد. شهید راه خدا نیست. گفتند: چه طور؟ او با ما آمد؛ در رکاب شما جنگید؛ به دست مشرکین کشته شد. پس چه طور او شهید نیست؟ حضرت پرده برداشتند؛ فرمودند: واقعیت قضیه این بود؛ وقتی سپاه اسلام و سپاه کفر رو به روی هم دیگر صف آراستند؛ یکی از سربازان سپاه کفر بر مرکبی سوار بود که بسیار زیبا و گران قیمت بود. این شخص که در سپاه ما بود، آن مرکب چشمش را گرفت. گفت وقتی فرمان حمله دادند، به

<sup>۱۴</sup>. سوره ی کهف، آیه ی ۱۱۰.

<sup>۱۵</sup>. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۶ و محدّث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۹۰.

<sup>۱۶</sup>. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۶ و محدّث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۹۰.



سمت صاحب آن می‌روم؛ با او می‌جنگم؛ او را می‌کشم و ألاغ یا اسبی که سوار شده بود را به عنوان غنیمت تصاحب می‌کنم و می‌گیرم. همین‌که فرمان حمله صادر شد و جنگ آغاز شد؛ او به سمت آن مشرک رفت و شروع به جنگیدن کرد. دست بر قضا نتیجه عکس شد. یعنی آن مشرک، این مسلمان را کشت. حضرت فرمودند: این فرد در راه این چهار پا کشته شد؛ در راه خدا کشته نشد؛ که معروف به قَتِيلُ الْحِمَارِ است. در راه ألاغ کشته شده است؛ شهید راه ألاغ است. ممکن است آدم شهید راه ألاغ بشود! خیلی باید مراقب بود. بعد فرمودند: «فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهَجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ» هرکس به‌راستی، به قصد هجرت به سوی خدا و رسول خدا مهاجرت کرد، هجرتش به سوی خدا و رسول خداست؛ «وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَتَزَوَّجُهَا فَهَجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ»<sup>۱۷</sup> اما کسی که هجرتش به سوی دنیایی است که به آن دنیا دست پیدا کند؛ برای این هجرت کرد که به آن شهر برود تا مقامی به او بدهند؛ پستی به دست بیاورد؛ یا در فعالیت‌های اقتصادی‌یی وارد شود و سود کلانی به جیب بزند؛ یا هر چیز دیگر دنیایی را به‌دست بیاورد؛ یا هجرت کرد برای این‌که برود و زنی را در آن‌جا به همسری و به کابین خود در آورد؛ کسی که به این قصد هجرت کرده است، ولو به صورت ظاهر، همراه سایر مسلمان‌ها، مثلاً از مکه به مدینه آمده؛ شهر و دیارش را ترک کرده است و به دیار غربت آمده است، به صورت ظاهر مهاجر مسلمان است؛ اما فرمودند: «فَهَجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ» او به سوی خدا و رسول خدا هجرت نکرده است؛ هجرت او به سوی همان دنیایی است که می‌خواست به آن برسد. این‌که برسد یا نرسد هم معلوم نیست. هجرت او برای

<sup>۱۷</sup>. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۹۰ و مجلسی، بحار، ج ۶۷، ص ۲۱۱.

رسیدن به همسری است که می‌خواست اختیار کند؛ آن زن را به او بدهند یا ندهند هم معلوم نیست؛ هجرتش برای خدا و رسول نیست.

اخلاص در عبادت این است که انسان به راستی فقط برای خدا عبادت کند. این نکته‌ی مهمی است. یعنی عبادت بودنِ عبادت، ارزش عبادت، به همین است. در این زمینه احادیث قدسی متعددی داریم؛ مبنی بر این که خدای متعال می‌فرماید: من عبادت عمل غیر خالص را قبول نمی‌کنم.

در حدیث قدسی است که خداوند می‌فرماید: «أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ» من بهترین شریکم. «فَمَنْ

أَشْرَكَ مَعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلِي لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا»<sup>۱۸</sup> کسی که دیگری را با من شریک

کند؛ یعنی چیز دیگری را هم به عنوان انگیزه‌ی عمل قرار دهد؛ مثلاً شهرت نیکی پیدا کند؛ به مقامی برسد؛ به هر چیز، فرمود: من بهترین شریکم. هر کس در عملی که برای من انجام می‌-

دهد، غیر من را شریک کند؛ آن عمل را از او قبول نمی‌کنم. جز عملی که خالصانه برای من

انجام شود، عملی را قبول نمی‌کنم؛ نمی‌پذیرم. «لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا» جز آنچه که

خالصانه برای من انجام می‌شود، سایر اعمال را قبول نمی‌کنم. یا فرمود: «أَنَا أَغْنِي الْأَغْنِيَاءَ عَنِ

الشَّرِيكِ»؛ من بی‌نیازترین بی‌نیازان از شریک هستم؛ «فَمَنْ أَشْرَكَ مَعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلٍ لَمْ أَقْبَلْهُ

إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا»<sup>۱۹</sup> هر کس غیر من را در عملی که برای من انجام می‌دهد شریک کند، از

او نمی‌پذیرم. جز عمل خالص را نمی‌پذیرم. باز در حدیث قدسی است که فرمود: «أَنَا خَيْرُ

<sup>۱۸</sup>. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۰.

<sup>۱۹</sup>. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷۳.

شَرِيكٍ مِّنْ أَشْرَكٍ مَّعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلٍ عَمَلَهُ لَمْ أَقْبَلْ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا»<sup>۲۰</sup> فرمود: من بهترین

شریکم؛ هر کس غیر من را در عملی که انجام می‌دهد، همراه من شریک کند؛ آن را از او نمی-

پذیرم. جز عمل خالص قبول نمی‌کنم. باز در حدیث قدسی است: «أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ فَمَنْ عَمِلَ لِي

وَلِغَيْرِي فَهُوَ لِمَنْ عَمَلَهُ غَيْرِي.»<sup>۲۱</sup> من بهترین شریکم؛ هر کس عملی را برای من و برای غیر من

انجام دهد؛ یعنی غیر من هم در نیت او سهیم باشد؛ من آن عمل را نمی‌پذیرم. کل آن را به

همان طرف مقابل که شریک بود، می‌دهم. و فردای قیامت هم انجام دهنده آن عمل باید

جزایش را از همان طرف مقابل بگیرد؛ به حساب من خدا نگذارد. من جز عملی که با نیت

خالص انجام می‌شود؛ چیزی را نمی‌پذیرم.

نیت، هویت بخش عمل است. اگر صورت عبادت همراه با قصد و نیت خالصانه‌ی عبادت نباشد؛

اصلاً آن عمل عبادت نیست. و این نکته‌ی مهمی است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

<sup>۲۰</sup>. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۹۵.

<sup>۲۱</sup>. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷۲.